

گواهی مشارکت و مبادله

دکتر محمدجواد صدیقی

مترجم: علیرضا جعفری

مقدمه

منظور از پروژه‌های زیربنایی و زیرساخت‌ها، جاده‌ها، پل‌ها، راه‌آهن، خطوط دریایی و هوایی و شیوه‌های دیگر ترابری و ارتباطات، به علاوه تأمین آب و برق و تلفن است. هم‌چنین مؤسسات مالی و خدمات عمومی نظیر بهداشت و آموزش و پرورش را نیز در بر می‌گیرد. به طور کلی زیرساخت‌ها تمام پیش‌نیازهای اساسی برای عملکرد مؤثر بازار رقابتی^۱ و توسعه در تولید را شامل می‌شود.

برپایی زیرساخت‌ها نیاز به سرمایه بسیار عظیمی دارد. سود این سرمایه‌گذاری‌های کلان، زیاد است. بسیاری از آن‌ها غیر مستقیم می‌باشند و تمام آن‌ها در دوره بلند مدت به دست می‌آیند. در کشورهای در حال توسعه، بخش خصوصی یا سود حاصل در بلند مدت را مناسب تشخیص نمی‌دهد و یا فاقد ابزارهای مالی است که بتواند این پروژه‌ها را به عهده بگیرد. بنابراین، از دولت انتظار می‌رود که تعهدات اجرای این پروژه‌ها را قبول کند تا شرایط مناسبی برای رشد و توسعه ایجاد شود. این در حالی است که درآمد دولت از تمام منابع، از جمله سطحی از مالیات‌ها که به لحاظ سیاسی قابل تحمل باشد، کم‌تر از آن است که بتواند بودجه احداث زیرساخت‌ها را تأمین کند. در نتیجه مسئله‌ای که در پیش رو داریم این است که چگونه پس‌اندازهای مردم را برای این منظور تجهیز کنیم. سؤال این است که در نظام اقتصاد اسلامی، مؤسسات مالی چگونه می‌توانند در این رابطه کمک کنند؟

نقش مؤسسات مالی اسلامی

ویژگی مؤسسات مالی اسلامی، اجتناب آن‌ها از دادن و گرفتن قرض بر اساس نرخ بهره است؛ چنان‌که بانک اسلامی، سرمایه‌گذاری ذخایر را بر مبنای شرکت در سود قبول می‌کند، سپس بخشی از این ذخایر را بر مبنای مشارکت در سود، به تجار عرضه می‌کند. طریق دیگری از تأمین مالی که به وسیله شریعت اجازه داده شده و کاربرد وسیع‌تری دارد، مؤسسات مالی اسلامی است.

آن‌ها پول سپرده‌گذاران را در سهام عادی سرمایه‌گذاری می‌کنند و یا آن‌ها را برای کسب سود از طریق روش‌های اسلامی تأمین مالی، به کار می‌گیرند؛ همان کاری که بانک‌های اسلامی انجام می‌دهند. از جهت شیوه کار، دو راه کلی وجود دارد که از طریق آن بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی می‌توانند پس‌اندازهای بخش خصوصی را برای پروژه‌های بخش عمومی که در ارتباط با زیرساخت‌ها هستند، تجهیز کنند.

اولین راه بر مبنای مشارکت در سود است و می‌توانند در پروژه‌هایی که قابل سود دهی باشند و سود پولی آن‌ها قابل اندازه‌گیری باشد، سرمایه‌گذاری کنند؛ برای مثال، سود به شکل عوارض تردد برای استفاده از آزادراه‌ها و پل‌ها، یا پول‌هایی که به عنوان مجوز استفاده از جاده‌ها به طور عمومی و خصوصی از وسایل نقلیه دریافت می‌شود، قابل محاسبه است. سرمایه‌هایی که برای این نوع پروژه‌ها تجهیز می‌شوند، می‌توانند بر مبنای درصد شراکت، از این درآمد واقعی پاداش داده شوند.

دومین راه بر مبنای فروش با قیمتی بالاتر از آنچه که هزینه شده است، می‌باشد. می‌توان پس‌اندازهای بخش خصوصی را تجهیز کرده، در احداث یکی از پروژه‌های زیربنایی سرمایه‌گذاری کرد و بعد از تکمیل پروژه، آن را به قیمتی بالاتر از هزینه احداث، به دولت فروخت یا اجاره داد؛ برای مثال، یک کمپانی خصوصی می‌تواند یک فرودگاه (داخل یا خارجی) را احداث کند سپس آن را به دولت فروخته یا اجاره دهد و دولت قیمت یا اجاره آن را طی اقساط بپردازد. روشن است این وجوه عمدتاً از پولی که به عنوان مالیات فرودگاه و حق فرود جمع‌آوری می‌شود، تأمین خواهد شد؛ و همین‌طور بقیه مثال‌ها. تفاوت اصلی این دو روش در این است که سودی که از راه اول به سرمایه‌گذاران می‌رسد متغیر است، به خلاف سود راه دوم که از پیش، معین می‌باشد. اقتصاددانان اسلامی ابزارهای مالی را برای هر دو روش طراحی کرده‌اند که ما به توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

ابزارهای مبتنی بر مشارکت

این ابزارها معمولاً سودهای متغیری را موجب می‌شوند و از آن جاکه بر مبنای مضاربه یا شرکت هستند، پول سرمایه‌گذاری شده را ضمانت نمی‌کنند. این‌ها اولین طرح‌هایی بودند که در فرهنگ بانکداری اسلامی پیشنهاد شدند^۲ و در عمل مورد موافقت قرار گرفتند؛ مثل مضاربه‌ها و گواهی‌های * PTC در پاکستان که بانک‌ها و مؤسسات مالی این کشور اوراق اعتباری جدیدی را منتشر کردند تا جای اوراق قرضه بر پایه نرخ بهره را بگیرد و PTC یا اوراق مشارکت مدت‌دار نام گرفتند. اوراق مشارکت مدت‌دار، ابزارهای حقوقی قابل انتقال بر مبنای اصول مشارکت در سود و زیان هستند و برای جایگزینی اوراق قرضه بلند مدت و میان مدت برای صنعت یا تأمین اعتبارهای دیگر، معرفی شده‌اند. به جای دریافت بهره بر مبنای آن چه در اوراق قرضه نوشته شده است، سهامداران PTC در سود و زیان کمپانی‌های مورد بحث شریک می‌شوند. جان هارینگتون (John Harrington) از دانشگاه SETON - HALL نیوجرسی آمریکا عقیده دارد که PTC می‌تواند به عنوان وسیله‌ای برای تأمین مالی احداث ساختمان‌های ملی جهت اجاره دادن به دولت مورد استفاده قرار گیرد. صاحبان PTC از اجاره‌هایی که به وسیله دولت پرداخت می‌شود و همچنین از منافی که از فروش دارایی به قیمت بالاتر به دست می‌آید، سود خواهند برد. این نوع PTCها بدهی دولت را کاهش می‌دهند؛ دارایی‌هایی با درآمد جالب برای سرمایه‌گذاران تأمین می‌کنند و در بازار سرمایه خرید و فروش می‌شوند. آن‌ها سرمایه‌گذاری‌های مناسبی برای بانک‌ها هستند.^۳

اوراق مشارکت در ایران

در ایران نیز اوراق مشارکت به همین منظور به جریان افتاده است؛ برای نمونه، شهرداری تهران در سپتامبر ۱۹۹۴ اوراقی را که اوراق مشارکت نامیده می‌شد، طبق اصول اسلامی برای تأمین مالی پروژه تجدید بنای بزرگراه نواب منتشر کرد.

خصوصیات اصلی اوراق مشارکتی که در ایران منتشر می‌شود به شرح زیر است:

الف) اوراق مشارکت طبق اصول اسلامی منتشر می‌گردند؛ بر مبنای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های اقتصادی با نرخ بازدهی مثبت می‌باشند و سود آن‌ها بین سرمایه‌گذاران و منتشر کننده اوراق (کسی که مسئول تکمیل پروژه است) تقسیم می‌شود.

ب) اوراق مشارکت می‌توانند توسط بخش عمومی و بخش خصوصی منتشر شوند.

* Participatim Term Certificates.

ج) در هر مورد باید متعهدی شناوری اوراق را بپذیرد و اوراقی را که به وسیله عموم مردم خریداری نمی‌شود، بخرد.

د) برای هر مورد، منتشر کننده باید حداقلی از سود قابل حصول از پروژه مورد نظر را ضمانت کند. سودهای بیش‌تر از میزان ضمانت شده، باید بعد از تکمیل پروژه تقسیم شوند. اگر حداقل سود برنامه‌ریزی شده تحقق نیابد، تمام مسئولیت تهیه سرمایه برای پرداخت سود ضمانت شده، به عهده منتشر کننده اوراق می‌باشد.

ه) اوراق باید به منظور تأمین مالی پروژه خاص باشند و در جای دیگر نمی‌توانند استفاده شوند.

و) اوراق با هم منتشر شده و کوپن‌های مخصوصی برای دریافت سود به همراه دارند. زمان پرداخت این کوپن‌ها، هنگام انتشار اوراق، معین می‌شود.

ز) این اوراق بدون نام و در وجه حامل منتشر می‌شوند.

ح) اوراق قابل خرید و فروش هستند و می‌توانند از طریق بازار مبادله سهام تهران مبادله شوند. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران متعهد است و از این رو مسئول جریان این اوراق شناخته می‌شود.^۴

شایان ذکر است که بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طرحی را برای اوراق مشارکت ملی *NPP با سودی که هماهنگ با سود بازار سهام و به اندازه سایر سودهای بخش خصوصی باشد، بررسی می‌کند؛^۵ وجوه جمع‌آوری شده از طریق آن صرف اداره دولت مخصوصاً پروژه‌های زیربنایی خواهد شد.

اوراق مشارکت در سودان

سودان اوراق مشارکت بانک مرکزی **CMC را معرفی کرده است که به ابزاری بر مبنای عدالت اشاره دارد و برعهده دولت (بانک مرکزی) در بانک‌های تجاری انتشار یافته است.^۶ این اوراق به کارگرفته شده‌اند تا بانک مرکزی را قادر سازند نقدینگی داخلی را از طریق عملکرد بازار آزاد تنظیم کند و بدین وسیله به اتخاذ بازار مبادلات کمک کند.^۷ سودان هم‌چنین در فکر است که اوراق مضاربه دولتی ***GMC یعنی ابزاری را به کار گیرد که دولت را قادر به افزایش و توانایی خود سازد. این کار از طریق انتشار اوراق

- * National Participation Paper.
- * Central Bank Musharaka Certificate.
- ** Government Mudaraha Certificate.

اعتباری دولتی که به سیرده‌گذاران وعده درآمد قابل انتقالی را می‌دهد، انجام می‌شود و با توسعه‌ای که در درآمد دولت حاصل می‌شود، مرتبط است (مثلاً سهمی از درآمد دولت). این سود در مقابل سرمایه‌گذاری آنان در تهیه خدمات عمومی دولت می‌باشد.^۸ گرچه این ابزارها با مدل‌های ساده‌ای که به صورت نظری در بالا ارائه شد تفاوت‌هایی دارند، اما ماهیت آن‌ها یکسان است و از ویژگی‌های زیر برخوردارند:

۱. بدهی‌های دولتی ناشی از فروش اوراقی که صاحبان آن یک درآمد سالیانه‌ای را انتظار دارند، سیال است.

۲. بعضی از این اوراق قابل داد و ستد هستند، چون از جهت تئوریک به نوعی امکان سوددهی سرمایه در آن‌ها وجود دارد.

۳. سود اوراق یا مرتبط به یک پروژه مخصوص بوده و یا مرتبط به رشد در بخشی از اقتصاد می‌باشد.

شیوه کار در اوراق مشارکتی

در این روش، به کارگیرنده سرمایه، دولت می‌باشد که زیرساخت‌ها را احداث می‌کند و عرضه‌کننده سرمایه مردمی هستند که برای سرمایه‌گذاری پس‌انداز می‌کنند و بانک‌های اسلامی و مؤسسات مالی واسطه هستند؛ به این صورت که وقتی دولت اوراق مشارکتی را انتشار داد، بانک یا مؤسسات مالی اسلامی آن را از طریق سرمایه‌هایی که در حساب‌های سرمایه‌گذاری آن‌ها جمع شده است بر حسب مورد خریداری می‌کنند و دولت متعهد می‌شود سود سالیانه صاحبان حساب‌های مذکور را بپردازد. تعهد دولت بر پرداخت سود از طریق بانک می‌باشد و به کسانی پرداخت می‌شود که حامل ورقه‌ای هستند که سهم آن‌ها را از سود نشان می‌دهد. اگر اوراق دارای سررسیدی باشند که دولت برای بازپرداخت اصل سرمایه ارائه داده است، این تعهد هم از طریق بانک (بعد از لحاظ سود یا ضرر نهایی) اعمال می‌شود. در مجموع، دولت و مردم هر یک فقط با بانک اسلامی و مؤسسات مالی معامله می‌کنند و با هم ارتباط مستقیم ندارند.

بعد از مدتی بازار ثانوی این اوراق بهادار توسعه پیدا خواهد کرد و کسانی که نمی‌خواهند اوراق بهادار را تا سررسید نگه‌داری کنند می‌توانند بفروشند و کسانی که زمان انتشار اوراق را از دست داده‌اند می‌توانند اکنون خریداری کنند. این بازار هم مثل هر بازار دیگری عمل می‌کند و قیمت اوراق بهادار به وسیله عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. ممکن است اوراق مشارکت در سودی در جریان باشند که هیچ تاریخی را در بر ندارند

و همیشگی هستند.^۹ دولت، مضارب یا عامل دائمی است و صاحبان اوراق بهادار تأمین کننده مالی (رب‌المال) هستند و مالکیت آن‌ها برای مدتی است که بخواهند برگه‌ها را نگهداری کنند. صاحبان اوراق بهادار می‌توانند در بازار خرید و فروش کرده، افزایش یا کاهش ارزش سرمایه داشته باشند. سود سالیانه باید به کسی پرداخت شود که اوراق را در تاریخ سررسید سود سهام در دست دارد. برای آسودگی، دولت ممکن است فقط با مؤسسات، بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بنگاه‌های واسطه و امثال آن سروکار داشته باشد و مردم هم توسط این مؤسسات خواسته‌های خود را تحقق بخشند. وجوه حاصل از فروش اوراق بهادار دائمی باید به گونه‌ای سرمایه‌گذاری شوند که درآمدی را برای فعالیت‌های دولت که همیشگی هستند، حاصل کنند.

ابزارهای مبتنی بر مبادله

این ابزارها بر مبنای اجاره،^{۱۰} استصناع^{۱۱} (سفارش تولید) سلّم^{۱۲} (بیش‌فروش محصولات کشاورزی) یا مرابحه^{۱۳} (فروش نسبه) تدبیر شده‌اند. مؤسسه مالی اسلامی که این ابزار را می‌فروشد، به عنوان واسطه ارتباطی مصرف کننده نهایی (خریدار ابزار مالی) و تولید کننده (فروشنده) ظاهر می‌شود. ورقه مالی که توسط مؤسسه اسلامی به مردم فروخته می‌شود، سود از پیش تعیین شده‌ای را به عنوان اجاره یا بخشی از قیمت، در بر دارد و به طور کلی چون بیش‌تر این اوراق قابل تبدیل به پول نقد نیستند، بازار ثانوی ندارند؛ هر چند محققان راه‌هایی را پیشنهاد می‌کنند که آن‌ها را قابل تبدیل به پول کند. هم‌چنین ممکن است این ابزارهای مالی مثل اوراقی کار کنند که بر مبنای استصناع هستند. بر مبنای فقه، صلاحیت استصناع برای واسطه‌گری مالی پذیرفته شده است و پیمانکار می‌تواند قرارداد فرعی ببندد. به این ترتیب که ابتدا شرکت دولتی، مشخصات پروژه معین را که می‌خواهد تأسیس کند تعریف می‌کند و هم‌چنین تعداد سال‌هایی را که برای بازپرداخت قیمت آن در نظر گرفته است، روشن می‌سازد، سپس پیشنهادات مناقصه از طرف پیمانکاران دریافت می‌شود و با کسانی که به قیمت پایین‌تری حاضر به ساخت پروژه هستند، قرارداد استصناع منعقد می‌گردد. وقتی امکانات تبدیل به ساختمان شد و قرارداد استصناع تکمیل گردید، مالکیت کامل امکانات در اختیار دولت قرار می‌گیرد؛ در مقابل فروش معوقی که به طور طبیعی این قیمت نه تنها هزینه ساختمان را می‌پوشاند بلکه سودی را هم که به پیمانکار پرداخت می‌شود، خواهد پوشاند. قیمت معوقی را که

مؤسسه دولتی پرداخت خواهد کرد ممکن است به شکل گواهی‌های دیون* (DPC‌های) بدون بهره باشد که ارزش اسمی آن‌ها برابر است با کل قیمت معوق، و در واقع ارزش DPC‌ها بیان‌گر بدهی مؤسسات دولتی هستند.

گرچه در شریعت اسلامی جایز نیست قرض و بدهی به قیمتی کم‌تر از ارزش اسمی مبادله شود، اما می‌تواند بر مبنای قیمت اسمی (ارزشی که روی ورقه نوشته شد) به شخص ثالثی منتقل گردد. موجودی بانک اسلامی چنین اوراقی است که ممکن است در مقابل آن‌ها دارایی یا کالایی را با قیمت معوق خریداری کند. وقتی چنین دارایی حقیقی یا کالا به دست آمد ممکن است به هر روشی مصرف شود.^{۱۴}

برخی از کمپانی‌های خصوصی اسلامی چنین ابزاری را ارائه می‌کنند اما طبق آخرین اطلاعات من، به جز مالزی، هیچ کشوری که ادعای بانک‌داری اسلامی می‌کند، در سطح ملی چنین راه‌هایی را نپذیرفته است. هنوز ادبیات تئوریک که این ابزار را به عنوان راه ممکن برای تجهیز پس‌اندازها برای تأمین مالی پروژه‌های زیربنایی ارائه می‌دهد، نیاز به توجه جدی دارد. علت اصلی این که چرا این ابزار احتیاج به بررسی دقیق دارند و در عمل آیا امکان تطبیق دارند یا خیر، این است که ابزارهای مشارکتی، در تجهیز پس‌اندازهای بخش خصوصی برای پروژه‌هایی که درآمد یولی مستقیم و قابل اندازه‌گیری ندارند، مثل تحصیلات و بهداشت، مناسب نمی‌باشند.

اجرا

برای به فعلیت رساندن پتانسیل ابزارهای مالی اسلامی برای احداث پروژه‌های زیربنایی، لازم است مراحل زیر طی شود:

۱. تعریف پروژه با تعیین ویژگی‌های مورد نیاز برای انعقاد قرارداد، و درخواست از مؤسسات مالی اسلامی که منابع مورد نیاز را تجهیز کنند.
۲. تعیین ابزار یا ابزارهای مناسبی که بتواند در ارتباط با پروژه‌ای مخصوص یا پروژه‌هایی معین تجهیز مالی کنند. در این وظیفه خطیر هم دولت و هم مؤسسات مالی به همکاری با هم نیاز دارند.
۳. با همکاری مؤسسات مالی ابزارهای مالی (اوراق) منتشر شده و به جریان می‌افتد و از مردم جهت خرید آن‌ها دعوت به عمل می‌آید.

* Deferred Price Certificates.

۴. لازم است مؤسسات مالی - خصوصاً در قدم‌های اولیه - تلاش زیادی جهت توسعه بازار ثانوی اوراق منتشره، از خود نشان دهند. ممکن است این نقش به وسیله یک تشکیلات اقتصادی (یک شرکت یا یک شرکت سهامی) اجرا شود یا حتی در صورتی که موقعیت اقتضا کند یک بانک دولتی این کار را انجام دهد. تا کنون در تجربه بانکداری اسلامی، کمپانی‌های گروه دلّه، البرکة، التوفیق و الامین، مرکزیت چنین نقشی را پیدا کرده‌اند.

شایان ذکر است در مرحله اول که در بالا اشاره شد، گاهی فکر تجهیز منابع قابل سرمایه‌گذاری وسیع که بتواند چند پروژه را تأمین کند، مورد توجه قرار گرفته است (پروژه‌هایی که توجیه‌پذیرند). این کار برای کشورهای مناسب است که به طور همزمان با ضرورت احداث چندین طرح مختلف زیربنایی، مثل مخابرات، بزرگراه‌ها و کانال‌های آبرسانی مواجه می‌باشند. حرکت‌های اخیر در سودان و ایران که اشاره شد، از این نوع می‌باشند.

مراحل چهارگانه: توصیف پروژه، طراحی ابزار، به جریان انداختن اوراق و کمک به توسعه بازار کارای ثانوی، هر کدام در جایگاه خود برای تجهیز پس‌اندازهای بخش خصوصی برای احداث طرح‌های زیربنایی از طریق مؤسسات مالی اسلامی مهم‌اند. این‌ها وظایف روشنی هستند. انجام آن‌ها در چهارچوب اسلامی شروع شده است و این مقاله، ممکن است این کوشش‌ها را بیش‌تر پیش ببرد.

1. Joseph E. Stiglitz: "The Role of Government in Economic Development" , in Annual World bank Conference on Development Economics, 1996 edited by Michael Burno and Boris pleskovik, Washington, D.C. , The World Bank, P. 14.
 2. M.N. Siddiqi, *Banding Without Interest*, Leicester, The Islamic Foundation, 1983 , 1997 , P. 133 - 141.
 3. Ausaf Ahmed and Tariqullah Khan (eds), *Islamic Financial Instruments for Public Sector Resource Mobilisation*, Islamic Research and Training Institute, IDB, Jeddah, 1997, P. 100. For other relevant details see P. 101 - 102 on Mudarabas see: P. 97 - 99.
 4. Ausaf Ahmed and Tariqullah Khan (eds.), *Islamic Financial Instruments for Public Sector Resource Mobilisation*, Islamic Research and Training Institute, IDB, Jeddah, 1997, P. 107 - 108.
 5. V. Sundrarajan, David Marston and Ghiath Shabshigh, 'Monetary Operations and Government Debt Management Under Islamic Banking' , Washington D.C. , IMF Working Paper, 1998 (WP/98/144), P. 10.
 6. Ibid , P. 11.
 7. Ibid.
 8. V. Sundrarajan, David Marston and Ghiath Shabshigh, 'Monetary Operations and Government Debt Management Under Islamic Banking' , Washington D.C. , IMF Working Paper, 1998 (WP/98/144), P. 13.
 9. See for example: Sami Ibrahim al Suwailim's coments in Ausaf Ahmed and Tariqullah Khan, op. cit, especially, P. 247.
۱۰. اجاره در لغت به معنای دادن چیزی در قبال دریافت پول اجاره است. در فقه اسلامی لفظ اجاره در دو مورد به کار می‌رود: به معنای استخدام خدمت یک شخص بر مبنای دستمزد است و در ارتباط با استفاده از منافع یک دارایی یا ملک نه خدمت یک انسان. اجاره در این مورد، به معنای انتقال منافع یک دارایی مخصوص به شخص دیگر در قبال اجاره‌ای است که از وی می‌گیرد. در این مورد لفظ اجاره قابل مقایسه با لفظ انگلیسی Leasing می‌باشد: (Muhammad Tagi usmani, *An Introduction to Islamic Finance*, Karachi, Idaratul Maarif, 1988, P. 157 - 158.
۱۱. استصناع یعنی سفارش دادن به یک تولیدکننده تا کالای به خصوصی را برای خریدار تولید کند. اگر تولیدکننده تعهد کرد که کالا را با مواد اولیه‌ای که متعلق به کارخانه است برای وی تولید کند، مبادله به روش استصناع تحقق پیدا کرده است: (Ibid, P. 195.)
۱۲. سلم فروش است که فروشنده تعهد می‌کند کالای به خصوصی را در آینده در مقابل قیمتی که قبلاً به صورت نقد دریافت کرده است، به خریدار تحویل دهد: (Ibid , P. 186.)
۱۳. اگر فروشنده با خریدار توافق کند که کالای مخصوصی را با قیمتی که به هزینه تمام شده آن کالا اضافه شده است تحویل خریدار دهد، مبادله مرابحه‌ای نامیده می‌شود: (Ibid , P. 195.)
14. Muhammad Anas Zarqa "Istisna Financing of Infrastructure Projects" in Ausaf Ahmad and Tariqullah Khan, op. cit, P. 231 - 241. Also in the same volume, see the paper by Mohammed Ali Elgari, 'Islamic Investment Funds as Means of Resource Mobilization' especially , P. 277 - 278.